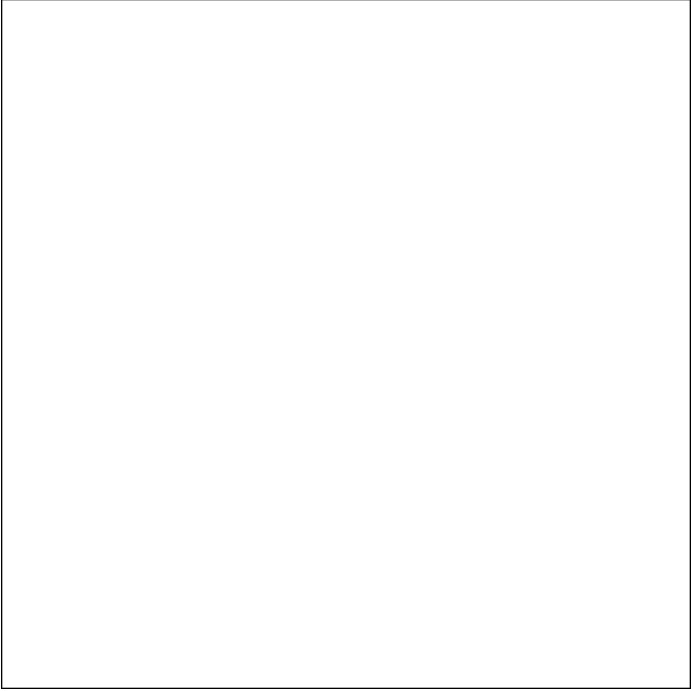


صحنه در مورد آب و هوا



✎ Espen Stranger-Johannessen  
☑ Ognjen Drageljević  
📧 Sam Saf  
|| 2  
😊 فارسی Fa



## LIDA Stories

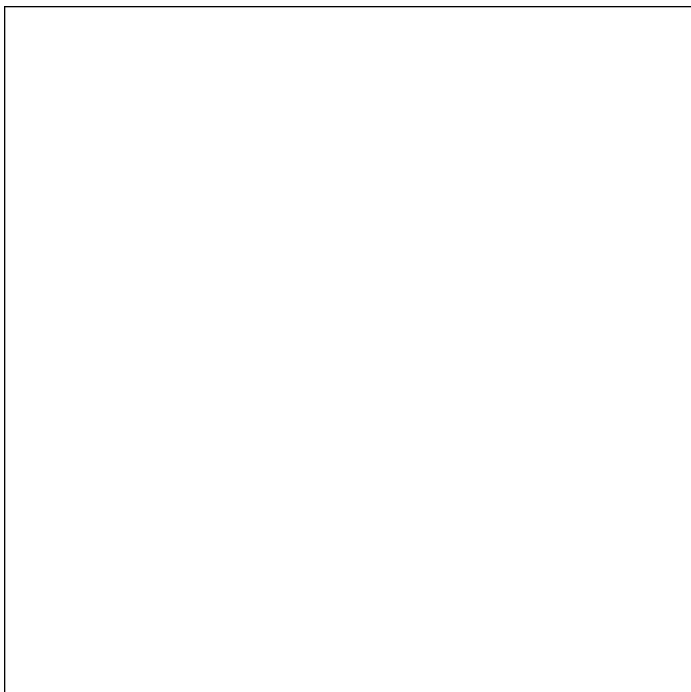
[lidastories.net](http://lidastories.net)

صحنه در مورد آب و هوا

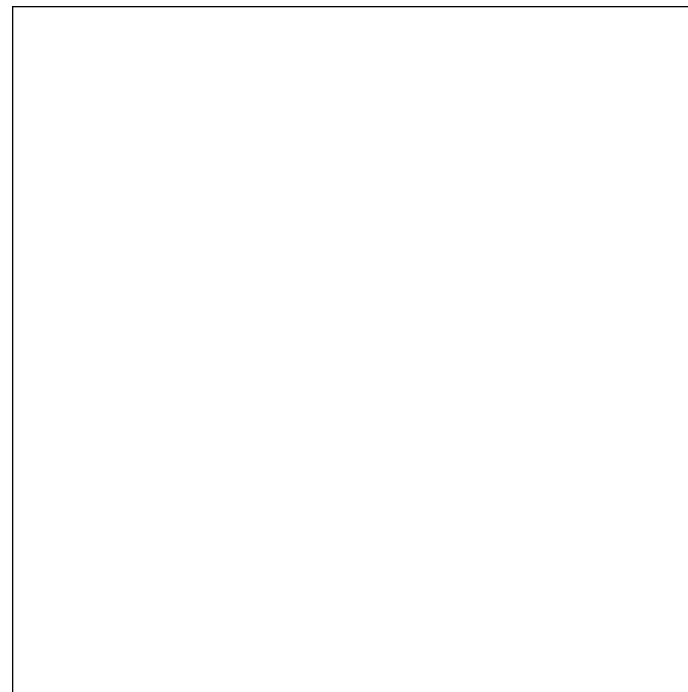
✎ Espen Stranger-Johannessen  
☑ Ognjen Drageljević  
📧 Sam Saf



This work is licensed under a Creative Commons  
[Attribution 4.0 International License.](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0)  
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



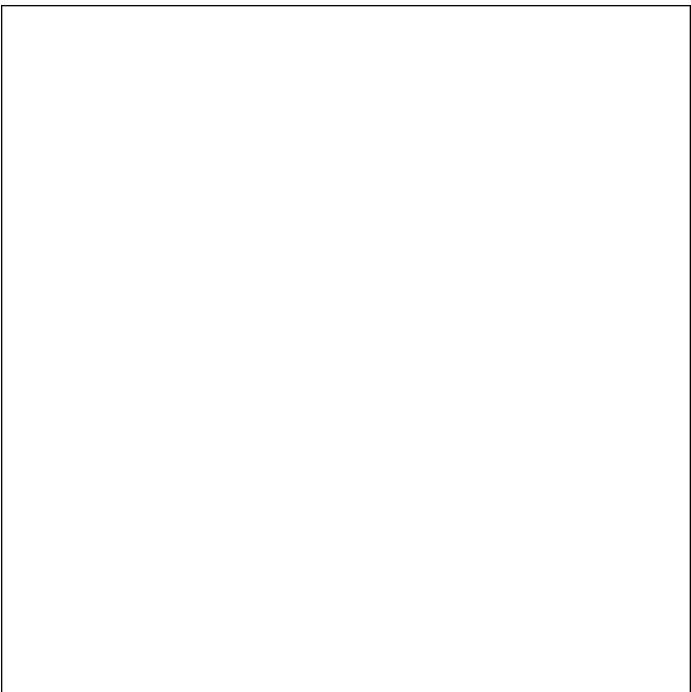
«روزه دارن رو به سرد شدن میرن. دهی  
هوا چقدره؟»



«امیدوارم اینطور نبشه. من واقعاً از هوای  
بد، به خصوص رعد و برق خوشم نمیاد. می  
ترسم رعد و برق بهم بزنه.»

«مستون همیشه.»

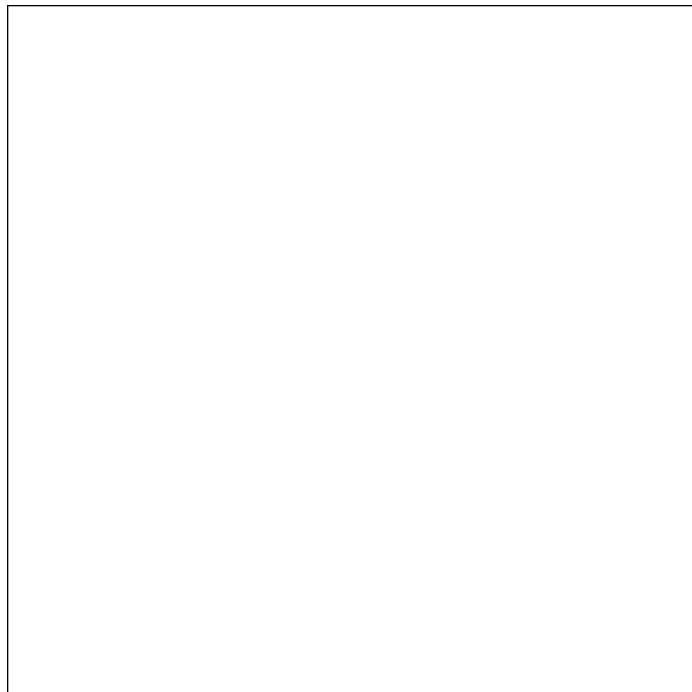
«نه درجه درجه است. هنوز چیزها، اما نه به زودی»

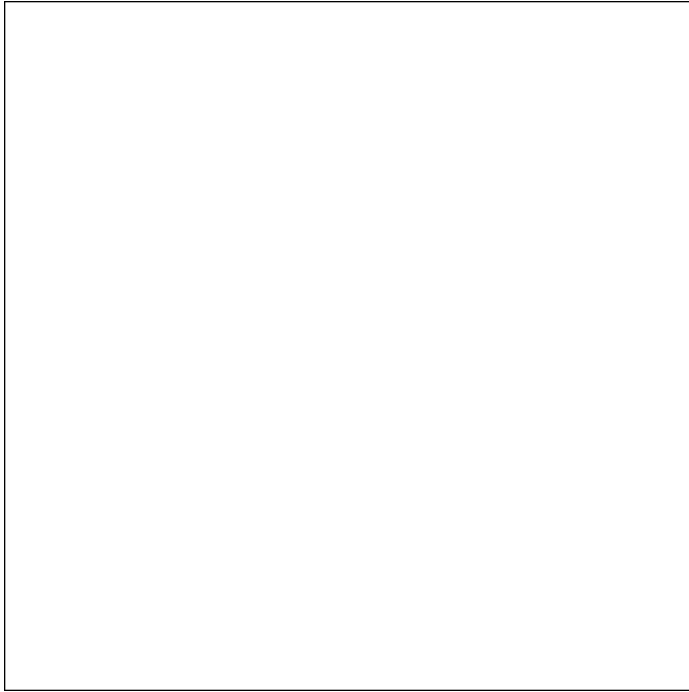


«همیشه طوفان»

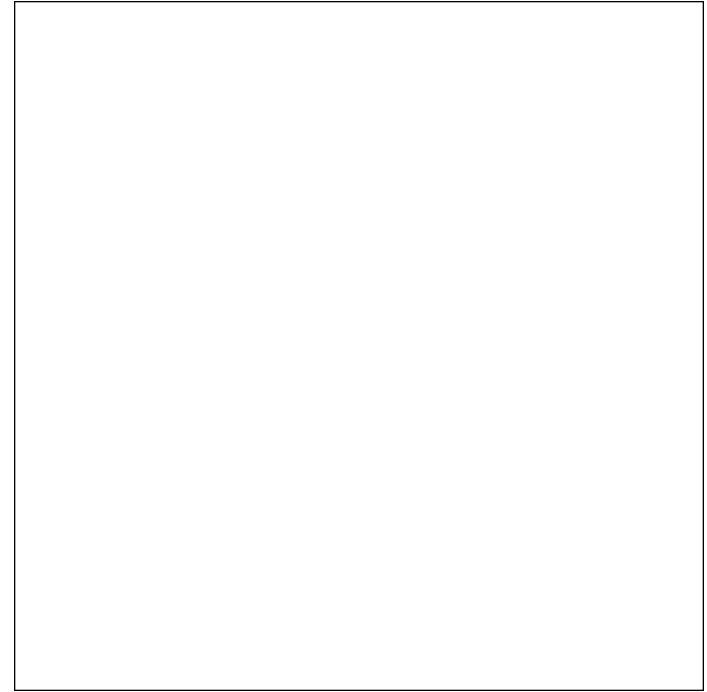
«و زودتر از آنجا که شما می‌دانید.»

«نه او را این تیره تیره کن. فراموش کن.»





«من مشفقانه منتظر بهرم، اهل‌بستون رو  
ترجیح میدم، زهنی که هوا خوب و گرمه.»



«من ب‌سره مشکلی ندارم. این ب‌رون و ب‌د  
هستش که دوست ندارم.»